

نامه سرگشاده به جناب حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان

در مورد :

اثرات و عواقب سیاست های جاری و دورنمایی
جمهوری اسلامی ایران در مورد افغانستان

جلالتآب حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان !

افشای گری نیویارک تایمز در مورد سپردن غیرمعمول و غیرمشروع بسته های پول به دفتر ریاست جمهوری افغانستان، غوغای بزرگی را هم در فضای سیاسی - تبلیغاتی داخل کشور و هم در عرصه جهانی، موجب گردیده، آبرو ریزی برای اداره ریاست جمهوری افغانستان بار آورده و بیش از پیش غرور ملی ما افغانها را خدشه دار ساخته است. این پولها به گفته و بنا بر اعتراف صریح جناب شما - که توأم با خشکی دهان و لکنت زبان صورت گرفت - از جانب رژیم آخوندی ایران بمنظور «روابط خوب و خیلی چیزهای دیگر» پرداخته میشود.

درین رسوایی آنچه مربوط به برخی افراد و حلقات منسوب به دفتر ریاست جمهوری، حواریون و دار و دسته شناخته شده عوامل مافیایی - سیاسی جمهوری اسلامی ایران در کشور ما میگردد، نه تنها چیز تازه ای نیست بلکه افشای مکرر همچو حقایق شرم آور حتی عرق جبین چهره های شاخص این دیده درآ ترین اعجوبه مافیایی - سیاسی زمان ما را نیز باعث نگردیده و نخواهد گردید؛ ولی متأسفانه این جناب شما رئیس جمهور افغانستان بودید که با صراحت تمام گفتید : «همچنان از آنها پول خواهیم گرفت، بیائید از این موضوع یک ماجرا درست نکنید». افاده «بیائید از این موضوع یک ماجرا درست نکنید»، حقیقت تلخی است که با تأسف یک طنز بسیار معروف - ولی درین متن غیر قابل تذکار - مروج در میان مردم ما را در اذهان تداعی مینماید. مردم اعتقاد دارند آنچه که در پشت پرده چنین معاملات، مناسبات بین الدول میان جمهوری اسلامی افغانستان و جمهوری اسلامی ایران را به ضرر منافع ملی ما شکل و محتوی میبخشد به اعتراف جناب شما همان «خیلی چیزهای دیگر» اند که رژیم آخوندی ایران، این «خیلی چیزهای دیگر» را با اجیر نمودن برخی حلقات در اداره ریاست جمهوری بدست آورده، مزد آن را پرداخته است و در آینده نیز بدست خواهد آورد و مزد آنرا خواهد پرداخت. مردم افغانستان متأسف اند که بابتی باوری از زبان جناب شما شنیدند : «همچنان از آنها پول خواهیم گرفت». در اذهان مردم افغانستان این سوال مطرح گردیده و از جناب شما پاسخ می طلبند که :

این «خیلی چیزهای دیگر»، کدام «چیزها» اند که رژیم آخوندی ایران «خواهان» آنها بوده و در بدل آنچه بدست آورده اند به اداره شما بطور غیر معمول و غیر مشروع پول پرداخته اند و آنچه در آینده بدست می آورند کدام «چیزها» خواهد بود؟ این سوالی است که پاسخ دقیق و درست آنرا هر افغان و وطن دوست از جناب شما انتظار دارند. زیرا در رابطه به سوال فوق برخی مسایلی توجه مردم افغانستان را به خود معطوف نموده که در متن یکی از اسناد استراتژیک مدون سیاست سازان کلیدی جمهوری اسلامی ایران مطرح گردیده اند. افاده های منعکس شده در متن این سند، مؤید آن اند که سند مذکور در جریان سالهای ادامه جنگ ایران و عراق تهیه گردیده و هشت سال قبل، نخستین بار بوسیله سایت «حزب فرقان» افشا و اینک سایت وزین افغان جرمن انلان، آنرا بار دیگر به تاریخ پنجم نوامبر ۲۰۱۰ به نشر سپرده است. حقایق زیادی در قبال سیاست های افغانی جمهوری اسلامی ایران و اثرات عملی این سیاست ها وجود دارند که اعتبار این سند را بمثابه سند سمت دهنده ستراتیژیک سیاست خارجی ایران در قبال یک تعداد کشور ها منجمله افغانستان، تأیید مینمایند .

در مقدمه این سند آمده است که : « حال که به یاری خداوند و فداکاری امت قهرمان امام پس از چند قرن بار دیگر حکومت اثناعشری در ایران به ظهور رسیده است، بنابر رهنمود های رهبران عالیقدر تشیع وظیفه بس سنگین و خطیر بعهده داریم که آن صدور انقلاب است و این را باید بپذیریم که حکومت ما گذشته از حفظ استقلال کشور و حقوق ملت یک حکومت مذهبی است و صدور انقلاب در رأس همه امور باید قرار گیرد ... اما با توجه به وضع فعلی جهان و قوانین به اصطلاح بین المللی صدور مستقیم انقلاب غیر ممکن و شاید هم با خطرات ویرانگر همراه باشد. به همین خاطر ما طی سه جلسه با آرای قریب به اتفاق شرکت کنندگان و اعضای ستاد یک برنامه پنجاه ساله که شامل پنج برنامه ده ساله می باشد طراحی نموده تا این انقلاب اسلامی را به همه کشورهای همسایه صادر و اسلام را یکپارچه نمایم »

برنامه ای که ما برای صدور انقلاب طراحی نموده ایم برخلاف عقیده بسیاری از ناظران بدون هیچگونه درد سر، خونریزی و یا عکس العملی از طرف دولت های قدرتمند جهان به ثمر خواهد رسید. حتی پولیکه در این راه مصرف خواهد شد بدون ثمر خواهد بود.»

در سند مذکور اهدافی که می باید مورد حمله « بدون هیچگونه درد سر و خونریزی» قرار گیرند، مشخص شده و جزئیات چگونگی این حمله نیز تعیین گردیده اند. در همین سند میخوانیم: « همسایگان سنی و وهابی ما عبارتند از ترکیه، عراق، افغانستان، پاکستان و تعداد کشورهای امیر نشین در حاشیه جنوبی خلیج فارس ... تسلط بر این کشور ها یعنی تسلط بر نیم جهان ». در سند مذکور با تاکید روی «تسلط» و «یک پارچه» نمودن «اسلام» مورد نظر تدوین کنندگان سند مورد بحث، چنین نگاشته شده است: « تا آنگاه که هرکس نام اسلام بر خود دارد ... فقط تشیع را بعنوان وارث راستین اسلام بشناسند ». جهت تعمیم دستیابی به اهداف تعریف شده در کشورهای مورد نظر، در سند مورد بحث توصیه گردیده که: « ما برای اجرای این برنامه پنجاه ساله ابتدا باید با همه کشورهای همسایه یک دوستی و ارتباط و احترام متقابل بر قرار نمائیم زیرا از پای درآوردن هزار دوست به اندازه یک دشمن درد سر ندارد ». با در نظر داشت اهداف و شیوه فوق الذکر محیالنه « دوستی»، در سند توصیه میگردد که کدر های سیاسی - بخصوص کدر های سیاسی حاکم در قدرت دولتی - کدر های فرهنگی و علمی، همچنان گردانندگان چرخ اقتصادی کشورهای مذکور یعنی سرمایه داران، « با استفاده از دوستان و تقدیم هدایای گرانبها » اجبر گردند و پروسه «تسلط»، بوسیله این اجبران وعده یی از ایرانیان «مامور» که تحت نام «مهاجر مخالف نظام» درین کشورها جابجا می شوند، عملی گردد. شهر های بزرگ با «باخرید املاک، خانه و اپارتمان و ایجاد شغل و امکانات زندگی برای همکیشان خود که در آن خانه ها سکنی دهند و جمعیت را بالا ببرند»، و با «برقرای مراسم مذهبی و دایر نمودن مساجد و حسینیه ها»، تحت کنترل قرار گیرند.

مردم افغانستان شاهد اند که تعمیم رهنمود های فوق در افغانستان شواهد عینی زیادی دارند. در عین حال مردم به خوبی میدانند که مسئله معتقدات مذهبی بخشی از هموطنان عزیز تشیع ما و حقوق حقه آنان بمثابة افراد متساوی الحقوق جامعه افغانی را نباید با محتویات سند متذکره و نیات سیطره خواهانه غرض آلود نظام آخوندی ایران با هم خلط نمود. مذهب برای رژیم ایران یکی از وسایل نفوذ و استیلا است، ورنه تجربه عملکرد استخبارات ایران، منجمله در افغانستان نشان داده است که برای آنان نوکرو اجیری ضرورت است که در راستای منافع شان بکار گرفته شود، اینکه این نوکر و اجیر به کدام گروه اتنیکی متعلق و به کدام دین و مذهب معتقد و در کدام نقطه از کشور ساکن است، نمیتواند اهمیت داشته باشد. مردم ما باور دارند که قبل از همه، افغان های اهل تشیع و ظنیرست، خود چون سد استوار در برابر تمایلات غرض آلود سیطره جویانه ضد افغانی رژیم آخوندی ایران استادگی نموده از منافع ملی ما در وطن شان دفاع نموده و مینمایند. همه میدانند دوکتور رمضان بشر دوست کیست که قبل از همه و ماه ها قبل از نیویارک تایمز، با شجاعت و ظنیرستانه، حقیقت پول های داده شده مورد بحث را افشا نمودند و بیشتر از همه علیه تمایلات استیلا گرانه ضد افغانی دولت ایران مبارزه نموده و مینمایند؟

جلالتماب حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان!

افزون بر محتویات سند فوق الذکر مورد بحث، تجارب عینی گذشته نه چندان دور کشور ما، مؤید این حقیقت است که رژیم آخوندی ایران تحت ساترهای صدور ارزشهای ایدولوژیک، سیاسی و فرهنگی «انقلاب اسلامی»، طراز قرون وسطایی خویش و با بکاربرد ذخایر پطرو دالر دست داشته، نفوذ استیلا گرانه اش را توأم با لجاجت و خیره سری گسترش داده و پیوست به آن تسلط بی قید و شرط سیاسی و نظامی رژیم آخوندی را در افغانستان هدف قرار داده، هسته گذاری و به تدریج تحکیم بخشیده است. به این منظور دستگاه های دیپلماتیک و استخباراتی جمهوری اسلامی ایران وظیفه نفوذ در ساختار های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور ما را هدف قرار داده اند. درین زمینه در سند مذکور چنین میخوانیم: « ما میدانیم که نگهدارنده و گرداننده هر کشور و ملت فقط سه چیز است. اول قدرت که در دستگاه حاکم قرار دارد، دوم علم و دانش که در اندیشه علما و دانشمندان می باشد و سوم چرخش اقتصاد که در دست سرمایه داران است و اگر ما بتوانیم در دستگاه حاکمان تزلزل باندازیم، بین عالمان و دولت مردان ایجاد نفاق بکنیم و سرمایه داران هر کشور را متفرق ساخته، سرمایه آنها را بسوی کشور خود ... سرازیر کنیم، بیشک موفقیت چشمگیری را بدست خواهیم آورد و این سه مورد مهم را از آنها سلب خواهیم نمود». با در نظر داشت وظایف مطروحه فوق مردم افغانستان از جناب شما توقع دارند این پروسه را در افغانستان در استقامت نفوذ خصمانه رژیم متذکره در میان کدر رهبری سیاسی، در میان کدر های علمی و فرهنگی و در میان تاجران و سرمایه داران افغانی مورد تدقیق قرار داده نتایج آن را در گسترش نفوذ سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ایران در کشور ما، بطور مستند بررسی نمایند. اینک بمثابة مشت نمونه خروار تذکار و توجه جناب شما به آن معطوف میگردد.

رژیم جمهوری اسلامی ایران در نخستین سالهای پیروزی «انقلاب اسلامی» و تحت ساترهای ناشی از جذبات مذهبی، عده یی از تعلیم دیدگان افغانی حوزه مذهبی قم را به «جهاد» علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان که تازه

با پیروزی ح د خ ا تاسیس گردیده بود ، تشویق و با حمایت سیاسی، نظامی و مالی آنان، توانست ساختارهای نظامی - سیاسی متعددی را وارد نبرد مسلحانه نماید.

افزون بر آن رهبری جمهوری اسلامی ایران با استفاده از پطرو دالر دست داشته و به کمک دستگاه استخباراتی خویش، توانست همکاری برخی از حلقه‌های رهبری نظامی و استخبارات شوروی آن وقت را جلب و از آن طریق در سطح بلند کدر رهبری ح د خ ا ، و دولت افغانستان نیز نفوذ نماید که در تداوم این نفوذ همکاری مشترک استخدام شدگان افغانی «کمونیستی - جهادی» خویش را تأمین و به این وسیله اثراتش را در افغانستان توسعه داد. نخستین حلقه اجیران گماشته شده مذکور، در سال ۱۳۷۰ شمسی در سطح بلند رهبری حزب وطن (درین موقع ح د خ ا در کنگره دوم خود به حزب وطن مسمی گردیده بود) و حکومت جمهوری افغانستان بوسیله ارگانهای امنیتی همان وقت شناسایی گردید که سردمدار این حلقه اجیر از قدرت بدور انداخته شدند. همین حلقه بود که بعدها در همکاری با عوامل کا.گی.بی در حاکمیت دولتی و ظرفیت های «جهادی» روسی - ایرانی ، سناریوی روسی - ایرانی را با کودتای نظامی علیه دولت برحال افغانستان و بمنظور ناکام ساختن عملیه صلح ملل متحد، در حمل ۱۳۷۱ عملی نمودند و بعد از انتقال قدرت دولتی به مجاهدین در ثور ۱۳۷۱، به نیروی مؤثر نظامی - سیاسی در حاکمیت «جهادی» تبدیل گردیدند. بعدها این نظام وابسته «طالبی» - آنها نه از مواضع ملی، بلکه از مواضع منافع پاکستان در رقابت با مواضع جمهوری اسلامی ایران - بود که مجدداً به تهدید و تحدید این نیروی وابسته پرداخت. بعد از سقوط «طالبان» و آغاز پروسه تحقق کنفرانس بن، جمهوری اسلامی ایران با استفاده از سیر پروسه ساختاری دولت جمهوری اسلامی افغانستان، با پمپ نمودن پطرو دالر دست داشته خویش، به نفوذ سیاسی خود در میان کدر رهبری سیاسی افغانستان بیش از پیش افزوده است. رسوایی اخیر که حتی پای جناب شما رئیس جمهور افغانستان - توأم با اعتراضات غیر قابل توقع شما - به آن کشانیده شد، خود مؤید این نفوذ است. اکنون با وضاحت تمام چهره های شناخته شده بی در دستگاه ریاست جمهوری، در کابینه، در پارلمان، در دستگاه قضایی و سائر ارگانهای حفاظت حقوق اتباع، در قوای مسلح و در میان والی های ولایات و کدر رهبری احزاب و تنظیم های سیاسی کشور دیده می شوند که گفته می شود با کارمندان سفارت جمهوری اسلامی ایران روابط نزدیک داشته، از جانب این سفارت حمایه و تمویل مالی میگردند، از منافع ایران بطور علنی دفاع و برای تحکیم بیش از پیش سیطره جمهوری اسلامی ایران در افغانستان عمل مینمایند. انتخابات اخیر برای اعضای پارلمان افغانستان ، مصارف گزاف خارج از توان فردی به وسیله بعضی کاندیدان شناخته شده و نتایج این انتخابات، سطح بلند این نفوذ را یکبار دیگر تأیید مینماید.

جناب رئیس جمهور افغانستان !

مردم افغانستان تشویش و از جناب شما توقع دارند تا روشن گردد که آیا این نفوذ با چنین علنیت و رسوایی، بخشی از آن « خیلی چیزهای دیگر» نیست که رژیم آخوندی ایران در بدل بدست آوردن آنان پول داده اند و در آینده برای گسترش آن باز هم خواهند داد؟

محتوی منعکس شده سند مورد بحث، مؤید آنست که دومین عرصه مورد توجه ستراتیژی سیطره جویانه رژیم آخوندی، هستی معنوی مردم ما بوده که با نفوذ و اثرگذاری بر آن تلاش دارند پایه های فرهنگی سیطره شان را در مادر وطن ما گسترش بخشیده و بسوی حاکمیت کامل شان تحکیم نمایند. از این جهت است که عوامل استخبارات ایران و گماشته های افغانی آنان پوهنتون های افغانستان بخصوص عده بی از کدرهای علمی پوهنتون کابل، کدر های سائر مراکز علمی تحقیقاتی، معلمین مکاتب، عده بی از کدر های ادارات اطلاعات و فرهنگ، کارمندان رسانه های گروهی همچنان شعرا و نویسندگان افغانستان را هدف قرار داده اند. در همین راستاست که گفته می شود عده بی از دستگاه های نشراتی، انجمن های علمی و فرهنگی افغانی - در داخل و خارج کشور - برخی از شخصیت های علمی، فرهنگی و مذهبی کشور از جانب رژیم آخوندی تمویل مالی گردیده، بنابراین بطور علنی فرهنگ قرون وسطایی آخوندی - ایرانی، تکلم ایرانی زبان فارسی، اصطلاحات ایرانی نا آشنا و بیگانه با زبان و ادبیات فارسی دری را توأم با دامن زدن خصومت با سائر زبان های مروج افغانستان بخصوص زبان پشتو ترویج نموده، به نفاق ملی میان افغانها دامن میزنند. در نشرات و آثار تحقیقاتی شان با تبارز آشکار خصومت، هویت ملی افغانی را زیر سوال می برند. افغانستان را نام جعلی می خوانند، هویت تاریخی - ادبی زبان دری را نفی مینمایند. افتخارات تاریخی سرزمین آبیایی ما را به ایران کنونی - این نام جعلی فارس تاریخی - منسوب میدارند، افتراق افغان و افغانستانی را تراشیده و ترویج مینمایند و حتی برخی محصلین بعضی پوهنتونهای کشور را به مظاهراتی میکشانند که دفاع از رژیم آخوندی ایران را علنی شعار میدهند.

نفوذ خارج از کنترل ایران بر بازار افغانی، ورود کالاها کم کیفیت و قاچاقی ایران به افغانستان، اثر گذاری جمهوری اسلامی ایران بر محتوی برخی فیصله های شورای ملی (آقای رمضان بشردوست طی مصاحبه با افغان - جرمن آنلاین - که همین اکنون نیز در آن سایت موجود است - افشا نموده اند : « در پارلمان افغانستان در طول سه سال ما ده تا کنواسیون را تصویب کردیم، از ده تا کنوانسیون شش تایش با ایران است و هر شش آن به نفع ایران

است))، نفوذ مشهود و علنی جمهوری اسلامی ایران در ولایات افغانی همسرحد با ایران بخصوص ولایت هرات و ... همه مسایلی اند که تشویش مردم افغانستان را برانگیخته اند.

جناب حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان!

مردم افغانستان این همه را با وضوح تمام احساس مینمایند، در حالیکه می بینند حکومت و سائر ارگانهای دولتی مسؤول حراست از منافع ملی افغانستان و در رأس آن همه، اداره ریاست جمهوری - که با قید سوگند متعهد به حفظ و دفاع از منافع و نوامیس ملی است - در برابر این همه، نه تنها سکوت اختیار نموده بلکه بحیث ناظر زمینه ساز، اغماض نموده و مینماید. باین ملحوظ جناب شما فکر نمیکنید که مردم افغانستان حق دارند معتقد گردند که این حالت سکوت و اغماض، نیز بخشی از آن « خیلی چیزهای دیگر» اعتراف شده است که رژیم جمهوری ایران در بدل آن پول پرداخته و خواهد پرداخت؟ پاسخ شما در زمینه هرچه باشد؛ ولی مردم افغانستان توقع دارند قبل از همه و در اقدام نخست باید دفتر ریاست جمهوری از عوامل نفوذی جمهوری اسلامی ایران تصفیه گردد. زیرا آنچه امروز میکنیم مردم شاهد و تاریخ افغانستان آن را جاودانه ثبت صفحات خویش نموده و قضاوت نسلهای فردای کشور را برمی انگیزد.

خداوند(ج) قدرت و امکان عطا فرماید
آمین یا رب العالمین